****

[صورت حفر گودال و دعوت غیر در کلام مرحوم خویی ره 1](#_Toc499494798)

[اشکال: عدم وجود ضابطه مشهور در عمد 2](#_Toc499494799)

[تغییر عبارت مرحوم محقق ره توسط صاحب جواهر ره 3](#_Toc499494800)

[نقص تعبیر مرحوم محقق ره در مقام 3](#_Toc499494801)

[تحقق قصاص بر اساس ملاک مختار (معرضیت) 4](#_Toc499494802)

**موضوع**: مراتب تسبیب /قتل به تسبیب /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در راستای مراتب تسبیب و خصوصیات صور و فروض این مراتب و احکام هر یک از این صور از حیث قصاص و عدم آن بود.

 بحث در موارد مرتبه دوم از تسبیب به کلام مرحوم محقق بود که بیان شد در این مرتبه فرض این بود که علاوه بر جانی جنایت ناشی از فعل و اقدام مجنی علیه هم باشد، صورت اول در این مرتبه، تقدیم طعام مسموم در جایی بود که اراده اکل از مقتول هم موثر باشد.

## صورت حفر گودال و دعوت غیر در کلام مرحوم خویی ره

(مسألة 9): لو حفر بئرا عميقة في معرض مرور الناس متعمدا و كان الموت يترتب على السقوط فيها غالبا، فسقط فيها المار و مات فعلى الحافر القود بلا فرق بين قصده القتل و عدمه. نعم لو لم يترتب الموت على السقوط فيها عادة و سقط فيها أحد المارة فمات اتفاقا فعندئذ ان كان الحافر قاصدا القتل فعليه القود و الا فلا، و كذلك يثبت القصاص لو حفرها في طريق ليس في معرض المرور، و لكنه دعا غيره الجاهل بالحال لسلوكه قاصدا به القتل أو كان السقوط‌ فيها مما يقتل عادة فسلكه المدعو و سقط فيها فمات.[[1]](#footnote-1)

مرحوم خویی در این صورت می فرماید که اگر جانی بئر عمیقی حفر کند؛ دو فرض و حال دارد، یا این چاه در مکانی است که معرض گذر دیگران است، که در این فرض اگر مجنی علیه آمد و گذر کرد و حال آن که این چاه به گونه ای است که وقوع در آن عادتا منجر به موت می شود، چنین عملی منجر به ترتب قصاص بر حافر است، فرض دوم هم در جایی است که ولو چاه فوق به نحوی است که عادتا وقوع در آن کشنده نیست، ولی قصد حافر از این حفر قتل می باشد، در این فرض نیز قصاص بر حافر مترتب می شود. در غیر این دو فرض هم جنایت عمدی محسوب نمی شود و قهرا قصاصی هم مترتب نمی شود.

در واقع این فرمایش ایشان مبنی بر همان ضابطه ای است که در کلام ایشان و مشهور مطرح است، ولی در غیر این دو صورت عمد نیست.

در ادامه فرموده است که اگر حفیره مورد نظر در معرض عبور و مرور مجنی علیه نباشد، ولی جانی به واسطه دعوت و فراخواندن، او را به سمت این حفیره بکشاند، و در اثر سقوط در گودال قتل صورت بگیرد، در این صورت هم می بایست حکم به قصاص نمود، و در حقیقت در این فرض اخیر، دعوت مجنی علیه، جایگزین معرضیت محل گودال نسبت به عبور و مرور شده است.

### اشکال: عدم وجود ضابطه مشهور در عمد

در مورد فرمایش ایشان باید دید که آیا بر اساس ضابطه خودشان و مشهور، یعنی همان دو ملاک قصد قتل یا غلبه فعل نسبت به قتل، حکم به قصاص صحیح است یا نه؟

به نظر می رسد که حتی بر اساس مبنای خودشان نیز این کلام ناتمام می باشد؛ چرا که فرض ایشان در این بود که بئر در مکانی که معرض مرور دیگران بود، حفر شده است، در حالی که این اعم از این است که این مکان محل عبور و مرور غالبی باشد، و با توجه به این که نتیجه تابع اخس مقدمات است در این جا ملاک غلبه فعل در قتل رعایت نشده است، چون ممکن است این مکان غالبا محل عبور و مرور نباشد، به تعبیر دیگر در جایی که حفر چاه عمیق که عادتا سقوط در آن کشنده است، در مکانی که معرض عبور و مرور نباشد، ملاک غلبه لحاظ نشده است، چرا که فقط غلبه در فرض وقوع رعایت شده است ولی غلبه خود وقوع رعایت نشده است و بر اساس ملاک مشهور معرضیت عبور کفایت نمی کند، و در حقیقت می بایست هر دو حیث غلبه رعایت شود تا قضیه واجد ملاک باشد.

بنابراین مقتضای عبارت ایشان بر اساس مسلک خودشان ناتمام است و بر اساس این مسلک هم حفر باید به نحوی باشد که مرگ غالبی باشد و از طرفی وقوع هم در آن غالبی باشد مثل جایی که چاهی با عرض یک و نیم متر در کوچه ای دو متری حفر نموده باشد.

#### تغییر عبارت مرحوم محقق ره توسط صاحب جواهر ره

مرحوم صاحب جواهر ره هم به دلیل ورود همین اشکال عبارت مرحوم محقق ره را تغییر داده است تا مبتلی به این اشکال نباشد.

عبارت مرحوم محقق این گونه است: «الثانية لو حفر بئرا بعيدة في طريق و دعا غيره مع جهالته فوقع فمات فعليه القود ‌لأنه مما يقصد به القتل غالبا.»[[2]](#footnote-2)

عبارت مرحوم محقق قده مطابق تعبیر مرحوم آقای خویی است اما مرحوم صاحب جواهر ره علاوه بر قید «بئرا بعیده» در کلام ایشان، قید دیگری را هم که قید غلبه در وقوع باشد، آورده است؛ «الصورة الثانية: لو حفر بئرا بعيدة القعر في الطريق مثلا يقتل الوقوع فيها غالبا و دعا غيره مع جهالته على وجه يسقط فيها بمجيئه فجاء فوقع فمات فعليه القود، لأنه مما يقصد به القتل غالبا و لأن ذلك و نحوه كيفية القتل به عادة، فيندرج في عنوان القاتل عمدا، بل و كذا إن كان مما يقتل نادرا و قصد به القتل أو أعقبه مرضا مات به، أما إذا لم يقصد و لم يعقبه زمانة ففيه البحث السابق، و كذا الكلام لو جعل البئر في ملك الواقع، إذ هو نحو وضع السم في طعام الغير.»**[[3]](#footnote-3)**

#### تعبیر مرحوم محقق ره در مقام؛ اطلاق و تفکیک از فرض تقدیم سم

مرحوم محقق ره این صورت دوم را به خاطر همین خصوصیت ذکر نمود که در صورت اول یعنی تقدیم طعام مسموم اجابت میزبان مستلزم مرگ است، در حالی که در این جا بر فرض اجابت هم امکان عدم وقوع وجود داشت، و الا اگر این فرق هم بین دو صورت نباشد به چه علت و خصوصیتی این دو فرض را، به عنوان دو صورت مختلف بیان نموده است؟ بنابراین به نظر می رسد ایشان اصلا فرض اول در این صورت را بحث نکرده اند.

نکته ای که منبه این فهم از تعبیر مرحوم محقق ره است که اگر صرف حفر حفیره بعید و عمیق، مستلزم وقوع غالبی بوده باشد، فرقی بین این صورت با صورت اول نخواهد بود، و همین عدم استلزام، سبب ابهام و شبهه ای شده است که مرحوم محقق را بر آن داشته که این صورت را به نحو جداگانه ذکر نماید.

فرض محقق در این صورت توسط دیگران به نحوی تصویر شده است که به عنوان مثالی برای صورت اول به نظر می رسد ولی حق این است که فرق این دو صورت در این است که در فرض اجابت بین دو صورت تفاوت وجود دارد و همین تفاوت سبب خفای استناد و عمد در این صورت دوم می شود، یعنی در تقدیم طعام مسموم اجابت دعوت میزبان مساوی با اکل این طعام است، اما در این فرض صرف اجابت دعوت مستلزم وقوع در گودال مورد نظر نیست، و همین نکته سبب ابهام و تردید در تحقق عمد و استناد و در نتیجه ترتب قصاص در این صورت شده است.

### تحقق قصاص بر اساس ملاک مختار (معرضیت)

اما بر اساس مختار که ملاک معرضیت فعل برای قتل است، لازم نیست مکان بئر غالب المرور باشد و با همین معرضیت هم قصاص قابلیت ترتب دارد.

1. . تكملة المنهاج، ص: 60 [↑](#footnote-ref-1)
2. . [شرائع الإسلام ، محقق حلی، ج4، ص183.](http://lib.eshia.ir/71613/4/183/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص39.](http://lib.eshia.ir/10088/39/42/) [↑](#footnote-ref-3)